

رابع به قصه داوود لار

قصه داوود از آمدن ملک السواد است که ابتدا در درگاه لولای شکر
 حریف این قصه سر از استار بود در عزت گریز بعضی از نقدهای در این است از
 این رو با بر قصه بر نور امان سواد کمر از این بی یقه گذاشت و سنج ۵۰ الی
 برابر رینه آن جان قصه محمود در کارش حکمت ارباب است درین و در عمل فوئی

که در آن زمان در سینه صاف بوده یکی از بار از عهد بودن آن بر آیه
 جان به داده شود و با اینکه چند نفر از سواد قصه ملک را اتصال کرده حکم
 مونس برین جان نشدند

ص ۱۴ صید دوم

در آد صدان سوله سال ۱۴۰۲ هجری و سده سال ۲۱۴۴ هجری
 این سخن ادنی مدالی + قصه الوندیه را با اتصال شورا است
 در صدر سوله ۱۲۷۹ قصه تک صید را با اتصال ملک آورد

صفر

۱۲۰۱ حورثه / داونده خود را یافت

" این صیغه است که در کتب قدیم بر او افعال می‌آید

اما در سینه‌ها درین افعال کتب کهن آمده

درت دستگشت و از دامن بدان رفت در خون آینه در او نشاند

از آن سر او بگردید و از آن برده در نزد خود درید گویا در آنجا در او درین

سینه صیغه در او افتاد. همچنان که در سینه از آنجا که همان نظر در آن است

صیغه؟ ساز زنده و در سینه اول که در میان ما بر او رسیده است

در باره در میان رفته " صنف ۲۱۹ (از کتاب - ایضا) نقل است

از آنکه دیگر صورت بود

حون ز در سینه که صیغه / برگشتی خود - هر نغمه

بر پیش چنانکه بسازد / ز آن صیغه یک روایتی

ز آن صیغه نقلی اولی / ز نامی در او در وقت برکت

صنف ۲۱۹

دما دندیه - این قصه نثر ازت مبارک است که انوار
 است در دیدن از شرط اقسام ایران و ناسانی که در
 صفات نوبار درج است تا مگر از دار این قصه را عیاق
 گذار زنه که برگی با این دو ال قصه نثر بگویم بنامه اثری
 با قدم بود و اینک بعضی از اشعار اتصال کرده است که از

عیاق بر نیاید - صفر [۲۹۴ و ۲۹۵] از کتاب کوزان ایران
 در عیاق

عیاق - حوض - دو دار در - عیاق - این دو مستزاد که اول
 در سال ۱۳۳۲ در سال و در سال ۱۳۳۳ در سال که در
 نثر از انوار مبارک و در نفس مبارک انوار مبارک دیده است
 که در آن تا مگر ایران و عیاق با حوض بی (ملاص) است
 صبر که یک صفت در آن است که عیاق

صفر ۲۹۷

۲۷۵	۱۹۵۹
۱۳۳۲	۴۲
-----	-----
۴۳	۱۲